

از آنجایی که ماده عین حرکت است هر تغییری به عین حرکت ربط دارد

شماره پرسش: ۹۸۶۲

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۳/۶/۹ ۰۵:۰۰:۰۰

متن پرسش

سلام علیکم: استاد ببخشید این چند وقته سوالات زیادی در خصوص حرکت جوهری پرسیدم. بنده کتاب را می خوانم صوت ها را هم گوش می کنم و آنها را روی برگه پیاده می کنم. در آن کنار خودم استدلال هایی هم می کنم و گاهی هم سوالاتی پیش می آید. خلاصه از اینکه زیاد مزاحم شما می شوم عذر خواهم. آخر اطرافمان استاد فلسفه نیست. تازه اگر هم پیدا شود با مبانی و روش تدریس شما آشنا نیست. تازه بر ما هم خرده می گیرند آقا فلسفه را بدون منطق نمی فهمید و... از همین حیث بنده مزاحم شما می شوم. استاد شما می فرمایید: نفس دارای تجرد نسبی است و یک نحوه تعلق به بدن دارد، در نتیجه حکم بدن - به عنوان یک موجود مادی - در نفس سرایت می کند. خب برداشت من از رابطه ی نفس با بدن این گونه است: نفس داخل بدن است نه مثل داخل شدن چیزی در چیزی و خارج از بدن است نه مثل خارج شدن چیزی از چیزی. و از طرف دیگر هم که نفس نسبت به بدن حالت انضمامی دارد. حال بنده می خواهم در جزوه خودم همین جمله ی شما که فرمودید: نفس دارای تجرد نسبی است و یک نحوه تعلق به بدن دارد را شرح بدهم ولی تصور و تصدیق اش برایم سخت است. مگر نفس مجرد نیست؟ پس چطور می توان آن را نسبت به چیزی سنجید؟ خلاصه بنده از دیروز در همین یک جمله مانده ام و نمی توانم جمله را برای خودم باز کنم. و سوال دوم استاد اینکه می فرمایید ترجمه و تنقیح، معنی کلمه تنقیح چیست؟ با تشکر. خدا عمرتان دهد.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در این که ما نفس خود را طوری احساس می کنیم که گذشته و آینده را در خود دارد که بحثی نیست. پس از این جهت نفس ما مجرد است و در این هم که احساس می کنیم در عین آن که این جوان ۲۰ ساله ی امروزی همان کودک ۱۵ سال پیش است و در عین حال تغییراتی در درون خود از نظر علم و حیات کرده است هم بحثی نیست. پس ما در نفس خود با دو بُعد روبه روییم؛ یکی تجرد و یکی تغییر، و از آنجایی که ماده عین حرکت است و هر تغییری مربوط به عین حرکت است □ که در جزوه ی اخیر روی این بحث شده □ پس باید حرکتِ نفس مربوط به تعلق نسبی آن به ماده باشد و از این جهت اتحاد نفس و بدن انضمامی است که نه نفس عین بدن است و نه جدا از بدن، بلکه اتحادی با بدن دارد که آن اتحاد آن را عین بدن نمی کند. موفق باشید